

متن پرسش

با سلام محضر استاد: با توجه به رجوعی که اخیرا به قرآن مجید داشتم و در سوال ۲۱۰۳۶ متذکر شدم بنظرم آیه ۸۶ کهف لب کلام ما شکاکان است «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ» کلمه وجدها با جان و دلم چه ها که نمی کند اگر چه ذی القرنین خورشید را در حال غروب در چشمه ای گل آلود می دید لکن واقعیت، چرخش زمین به دور خورشید است بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا چه چیزهای بسیار دیگری که هر فردی وجدها ولی ... باری قرآن را ماسوای این نگاه شکاکانه جالب دیدم و قصد مطالعه دارم. لکن در آثار شما مطالعه قرآن را همراه تفسیر بخصوص المیزان توصیه کردید لکن من حسب آیه «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» رجوع زلانه به خود قرآن را بیشتر ترجیح می دهم. البته سابق قصد مطالعه المیزان را داشتم ولی چون آن زمانها برخورد خشک عقلانی داشتم (بر خلاف الان که عقل در محاق محض است) چندان نتوانستم ادامه بدهم البته چندی پیش هم که المیزان را مروری می کردم در بحثی که ذیل آیات ۱ تا ۵ بقره داشتند و پاسخ هایی که در ابطال سوفسطاییان دارند متوجه شدم درین بحث ظاهرا قدرتمند حاضر نشدند و لاقول پاسخهایی حقیر در مکفی نبودن بحث ایشان دارم و می توانم از موضع آن بزرگان دفاع کنم باری این ضعف المیزان از رغبت من به تداوم مطالعه آن کاسته است از طرفی شروع تردید من از آنجا بود که ابتدا به دنبال کردن اختلاف فتاوی فقها علاقه داشتم و این در آن دوران بود که مذهبی بودم و خیلی مسائل فقهی را دوست داشتم و عمده سوالاتم در آن مورد بود بعد دیدم فقها در برخی مسائل اصولی نیز اختلاف دارند مثلا یکی از آنها ولایت تکوینی ائمه را قبول نداشت دیگری رجعت و الا ماشاءالله ازین اختلافها کما اینکه امام راحل می فرمایند کتابهای فقههای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه ها و برداشتها در زمینه های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباری ها و اصولی ها بگذریم - این اختلافها باعث شد بذر شکاکیت در وجودم کاشته شود. باری اگر باز در این رجوع به قرآن بخوایم به تفاسیر علما با آن همه اختلاف رجوع کنم به همان مشکلات قبلی دچار می شوم بنابراین ترجیح رجوع زلانه به قرآنست چه مفسران با آن ذهن های انباشته از اقوال یونانیان و عرفای بعضا متأثر از بوداییان معلوم نیست چه تحمیلهای که به این چشمه پاک نکردند حکمت ایمانیان ما را بسست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور که ملاحظه می‌فرمایید زبان قرآن، زبانی است در خطاب به بنیاد بشرِ آخرالزمانی به همان معنایی که حضرت سجاد «علیه‌السلام» می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى قَوْلِهِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» [۱] خداوند می‌دانست در آخرالزمان اقوام متعمقی می‌آیند که برای آنها سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید را نازل کرد. این خبر نشان می‌دهد برای فهم سوره ی توحید و شش آیه ی اول سوره ی حدید نیاز به روح آخرالزمانی است. موفق باشید

[۱] (۱) - الکافی، ج ۱، ص ۹۱.